نگاه

محیا حسینی

شنبه بدون همکلاسی‌های شهید

باورشان نمی‌شد تا صبح روزی که وارد کلاس شدند، اما انکارش هیچ فایده‌ای نداشت؛ جای خالی همکلاسی‌شان را دیدند که تا دیروز کنار هم می‌نشستند، درس می‌خواندند، می‌خندیدند و گاه حتی از خوراکی‌های یکدیگر می‌خوردند، اما حالا هر چه تعارف کنند، دستی برای برداشتن خوراکی‌هایشان نیست، کسی نیست که کنارشان بنشیند، راه برود، با آنها شوخی کند و بخندد. تحمل این کلاس برایشان، کار سختی است. هر روز دیدن جای خالی کسی که دوستش دارند، شدنی نیست.

کاش زنگ زودتر به صدا در بیاید. خارج شدن از کلاس شاید اندکی آرامشان کند. ندیدن جای خالی رفیق می‌تواند مرهمی بر زخم قلبشان باشد. دیدن جای خالی او از توان بچه‌ها خارج است. بچه‌هایی که مظلوم‌ترین انسان‌های روی زمین هستند و اصلاً معنای فریب، نامردی و واژه‌های تلخ و گزنده را نمی‌دانند، اما گاه در همین سن کم، طعم تلخ آن را با تمام وجود می‌چشند و حس می‌کنند.

به چه جرمی و چه گناهی؟! پاسخ آن را هیچ‌یک از همکلاسی‌های نرگس، زینب، امیرحسین، یاسین، المیرا، عارفه، فاطمه، زهرا، زینب، آیدا، محمدامین، مریم، مهدی، میلاد، سبحان، محمدعلی، حسین، حسن، محمدطاها و فائزه نمی‌دانند. بی‌شک اما این سؤال را هر روز با دیدن جای خالی دوست و همکلاسی خود در ذهن تکرار می‌کنند.

۲۳ شهید دانش‌آموزی در کرمان پرپر شدند. دانش‌آموزانی که هرگز گرد فراموشی بر خاطره تلخ به جا مانده از آنها نخواهد نشست. دختران و پسرانی برای همیشه نه فقط در کرمان که در ایران و در قلب تک‌تک مردم این کشور داغ دیده ماندگار شدند.

دل می‌خواهد دیدن تک‌تک دانش‌آموزانی که این روزها با دیدن جای همکلاسی‌های خود گریه امانشان نمی‌دهد. کاش اما مروارید اشک‌ها می‌توانست اندکی از این غم جانکاه را کم کند، اما دریغ و صد افسوس که شدنی نیست و اشک هم نمی‌تواند از تلخی این درد بکاهد.

یادداشت

دکتر سیده فاطمه نعمتی

مد اسلامی و تأثیرات آن بر حجاب در کشورهای مسلمان

از اوایل قرن بیستم به بعد، پوشیدن سبک‌های لباس غربی، که شامل کنار گذاشتن حجاب صورت و بعداً روسری بود، به تدریج در میان مردم ایالات مرکزی خاورمیانه گسترش یافت. با این حال، از دهه ۱۹۷۰، تعداد فزاینده‌ای از زنان شروع به پوشیدن سبکی از لباس‌های پوشیده کردند که «حجاب جدید» نامیده می‌شود. این شیوه‌ها، از این‌رو «جدید» نامیده شدند که به طور آشکار با سبک‌های لباس پوشیدن زنان فقیرتر شهری و روستایی متفاوت بود و نیز به این دلیل که اول از همه توسط زنان جوان، تحصیلکرده و شهری پوشیده شد. انتظار می‌رود که مدهای غربی بپوشند و آگاهانه به سبک‌های اسلامی لباس پوشیده روی بیاورند. این «جنبش حجاب» یک جنبش مردمی و اپوزیسیون بود. برخی از زنانی که شروع به پوشیدن این سبک لباس کردند، بخشی از نهضت تقوا بودند که در واکنش به سکولاریزاسیون روزافزون زندگی روزمره پدیدار شده‌بود. (محمود ۲۰۰۵؛ دیب ۲۰۰۶). برای دیگران پوشیدن چنین سبکی از پوشش اسلامی وسیله‌ای بود برای ابراز تمایل خود به سیاست فرهنگی جنبش‌های اسلام‌گرا که نه‌تنها نوعی مقاومت در برابر سلطه غرب را در بر می‌گرفت، بلکه موضعی انتقادی در قبال رژیم‌های استبدادی محلی و هویت‌های وارداتی، فرهنگ ماتریالیستی فزاینده محسوب می‌شد. به عنوان بخشی از چنین حرکاتی، یک سبک یکنواخت و هوشیار از لباس پوشیده ظاهر شد. بسیاری از دست اندرکاران ابراز تمایل کردند که حجاب جدید مد و به ویژه تمایزات طنزآمیز بین افراد ثروتمند و فقیر را از بین ببرد.

با این حال، طولی نکشید که مد اسلامی از چنین فرم‌های ساده، سخت و کاملاً غیرمد روز اسلامی بیرون آمد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، جریان اسلام‌گرایی خود ناهمگون‌تر شد، زیرا تا حدی خود را از یک جنبش رادیکال ضد مصرف‌گرایی به یک جنبش اصلاح‌طلبانه‌تر فردی تبدیل کرد که هویت‌ها به طور فزاینده‌ای از طریق مصرف بیان می‌شد. ظهور فرهنگ مصرفی اسلامی منجر به ناهمگونی بیشتر سبک‌های لباس پوشیدن اسلامی و افزایش آگاهی مد در میان زنان جوان اسلام‌گرای طبقه بالاتر شد. قضاوت‌های زیبایی‌شناختی، تمایلات سلیقه‌ای و سرمایه فرهنگی و مالی اهمیت بیشتری در شیوه‌هایی که زنان اسلام‌گرا برای پوشیدن لباس‌های اسلامی و تبدیل آن به مد انجام می‌دادند، پیدا کردند. در بسیاری از محیط‌ها، ناهمگونی بیشتر در سبک‌های پوشش اسلامی منجر به حضور بیشتر زیبایی‌شناسی اسلامی در حوزه عمومی شده‌است.

این وضعیت در کشورهای عربی نمود بیشتری یافت. زنانی که عمدتاً از حجاب کامل و تیره همراه با روبنده استفاده می‌کردند، به سمت پوشش‌های بازتر و حذف روبنده تمایل پیدا کردند. بالاخص جریانات سیاسی اصلاح‌گرایانه که تمایل بیشتری به افزایش علاقه به نمایش زنان در عرصه‌های عمومی داشت، بیش از پیش از جریان‌های پوشش جدید استقبال کرد و زنانی را که در جریان‌های اجتماعی فعالیت می‌کردند، وارد استفاده از این مدل‌های جدید کرد. این وضعیت، نوعی بلاتکلیفی در حوزه حجاب را به همراه داشت، چراکه عملاً تمام این جریانات در کشورهای عربی، اسلامی تلقی می‌شدند و در نتیجه برای استدلال پیرامون سبک‌های جدید نیز از عناوین اسلامی استفاده می‌شد، در نتیجه زنان نمی‌توانستند با استدلال‌هایی مشخص نوع جدید را کنار بگذارند. همانطور که در جهان، انواع لباس، معانی متفاوتی دارند، در حوزه مد اسلامی نیز این برچسب‌زنی‌ها شروع شد و کسانی که از لباس‌های جدید استفاده می‌کردند، معتدل‌تر، تحصیلکرده‌تر، اجتماعی‌تر و مطابق مد روز تلقی شدند و این مسئله خود عاملی برای گسترش لباس‌های جدید در میان زنان جوان بود.

در حال حاضر بسیاری از زنان جوان مسلمان که صورت خود را نه از روی اعتقاد، بلکه به این دلیل که مرسوم است، می‌پوشانند، لباس پوشیده می‌پوشند و همزمان به طور فعال با مد درگیر هستند. ادغام کشورهای اسلامی در دنیای مصرف جهانی، باعث شده‌است که سبک‌های مد روز لباس - که به طور مداوم در حال تغییر حتی اگر جزئیات هستند - به طور گسترده در بازار موجود باشد. انتخاب‌هایی که این زنان در مورد اینکه چه بپوشند و چه نپوشند بر اساس ملاحظات تقوا نیست. با این حال، آنها ترجیحات خود را برای چنین سبک‌های لباسی به افزایش حضور عمومی زنان مرتبط می‌دانند. این سبک‌های جدید، تحرک و مشارکت زنان در اجتماع را تسهیل می‌کنند و در عین حال «بهتر» پوشش می‌دهند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است.

گزارش یک

مهسا گربندی

تخلفات پرشمار شوراهای شهر مانع مدنی‌شدن مطلوب‌تر

افراد زیادی در سطح جامعه هر چهار سال یکبار، دار و ندار خود را برای راهیابی به شوراهای شهر و روستا هزینه می‌کنند. هزینه‌ها و ریخت‌وپاش‌های هنگفت که همواره این سؤال را مطرح می‌کند، حضور در شوراها چه سودی در پی دارد که افراد زار و زندگی خود را بر سر آن قمار می‌کنند. خصوصاً که اعضای شوراها متفق‌القول تأکید دارند عضویت در شورا شغل محسوب نمی‌شود، به همین دلیل درآمد حاصل از آن چندان چشمگیر و قابل توجه نیست، اما بی‌تردید این ادعا با تلاش‌هایی که جهت کسب این موقعیت اجتماعی می‌شود، همخوانی ندارد. خصوصاً وقتی شاهد این مسئله باشیم که ادعای آنها جهت فراهم کردن آسایش و حل مشکلات مردم و مدنی‌شدن بهتر امور محقق نشده یا اگر شده به اندازه‌ای نبوده که بتواند قابل توجه باشد.

توضیحات واضح است؛ آنچه اعضای شورای شهر به عنوان حقوق دریافت می‌کنند چیزی جز حق‌جلسه نیست. این همان چیزی است که پرویز سروری هنگامی که رئیس شورای عالی استان‌ها بود بدان اشاره کرد و به «جوان» گفت: «عضو شورا بودن شغل نیست و اعضا هیچ حقوقی ندارند، فقط مبلغی را به عنوان حق جلسه؛ یعنی زمانی که برای سرو سامان دادن امور صرف می‌کنند، دریافت خواهند کرد.» اما میزان حق جلسه چقدر است؟ سؤالی که سروری پاسخش را داد: «کمتر از ۱۰ میلیون تومان؛ برای مثال یک عضو شورا با ۴۰ ساعت کار و حضور در جلسات، حق‌جلسه ۶ تا ۷ میلیون تومانی را در ماه دریافت می‌کند. البته دریافتی اعضای شورای روستا کمتر از اینهاست و به ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان در ماه می‌رسد، که بسیاری از اعضا یکسالی می‌شود این رقم را هنوز دریافت نکرده‌اند.»

حق جلسه به علاوه رانت!

سؤالات دیگری نیز مطرح است؛ مثلاً اینکه آیا تمام دریافتی اعضای شورا به همان حق‌جلسات محدود می‌شود یا آنها رانت‌های دیگری را هم دریافت می‌کنند؟ این مهم‌ترین سؤالی است که هرگز پاسخ درستی به آن داده نشده، چراکه رانت‌ها به مانند حقوق و مزایا، سند کتبی ندارند. به همین جهت، اذهان عمومی به این سمت و سو رفته که عضو شورا بودن یعنی از رانت اطلاعات و رانت قدرت استفاده کردن، چراکه عموم مردم با چشم خود می‌بینند افراد مختلف برای رسیدن به مقام شورا، حاضر هستند هزینه‌های زیادی را بپردازند؛ مثلاً یک رستوران‌دار چوب حراج به غذاهایش می‌زند و به مردم کباب، آش و حلیم رایگان می‌دهد تا رأی آنها را جمع کند! یا یک ورزشکار معروف حاضر شد برای نشستن روی صندلی‌های شورا و به اصطلاح خدمت به مردم، از مقامی که قبلاً داشته، استعفا دهد. از طرفی اگر «رانت» در شوراها یک اتهام است، پس چرا فردی که در یک دوره شورای شهر شرکت کرده، برای بار دوم با قدرت بیشتری می‌آید؟ هر چند سروری معتقد است: «عضو شورا بودن شغل نیست و هر کسی وارد آن می‌شود فقط باید فکرش خدمت به مردم باشد.» اما به نظر می‌رسد که در برخی از مواقع اقداماتی غیر از خدمتگزاری به مردم اتفاق می‌افتد. گویی رازی در شورای شهر و روستا نهفته باشد که همه میل رسیدن به آن و کمک به خلق‌الله را دارند!

فساد و بازداشت

از سوی دیگر، یکی از موارد عجیب در شوراها، فسادهایی‌است که سال‌های متمادی در این سیستم دیده می‌شود. فسادهای ریز و نامتعارفی که گاهی به صورت فرآیندی زنجیره‌وار تا سطح شهرداری‌ها نیز ادامه پیدا کرده‌است. قسمت تأسف‌بار ماجرا اما، رخ دادن این دست فسادها در مدت زمانی کوتاه است، برای نمونه می‌توان به بازداشت عضو شورای شهر رباط کریم، کیفرخواست پرونده فساد در شورای شهر مهاباد و رسوایی فساد در شورای شهر گیلان و مواردی دیگر اشاره کرد که تنها طی دو الی سه ماه اخیر رخ داده‌است.

شاید بدبینانه به نظر برسد اما تخلفات و تعداد آنها، این سؤال را ایجاد می‌کند که اگر زیان شوراهای شهر و روستا از سود آنها بیشتر است، چرا باید شاهد حضور ۲۰۰ هزار نفر عضو اصلی و علی‌البدل در شوراها باشیم؟ البته نه‌اینکه هیچ‌یک از اعضا، سلامت و در جهت حل مشکلات مردم کار نکنند اما همواره آنچه به چشم می‌آید، کاستی‌ها و فسادهاست، خصوصاً اگر نمونه بارز و قابل توجهی از تلاش و کار شوراها را در سطح شهر دیده نشود. البته آقای سروری در این رابطه نیز پاسخی داده‌است: «اعضای شوراها به شدت مورد ظلم واقع می‌شوند، چراکه هر گونه اتهامی به آنها وارد شود، فوراً رسانه‌ای خواهد شد، اما در دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف، این مسئله وجود ندارد، زیرا تا وقتی جرم یک فرد اثبات نشود در اخبار و گزارش‌های رسانه بدان پرداخته نمی‌شود.»

ساختار معیوب

بدیهی است که وظیفه شوراها حل مشکلات مردم است پس باید به نحو شایسته به آن پرداخته شود. در حالی که مردم به شوراها اعتماد می‌کنند و با رأی خود فرصتی را در اختیار اعضا قرار می‌دهند، اما دیده می‌شود برخی از افراد راه یافته به این جایگاه، خیلی زود وعده‌های خود و نیازهای مردم را به فراموشی می‌سپارند، بدتر اینکه گاهی آنها از فرصت‌های پیش آمده به سود خود استفاده می‌کنند؛ روندی تکراری که سبب شده اعتماد مردم به اعضای شورا و وعده‌هایشان، کمرنگ شود. به همین دلیل باوری منفی در ذهن عمده افراد شکل گرفته‌است؛ اینکه رانت‌های حاصل از حضور در شورا، افراد را برای عضویت در این پست تشویق می‌کند و نه چیز دیگر. در چنین شرایطی چه نیاز به این تعداد از اعضای شوراها که فساد برخی از آنها، فقط پول‌های مردم را بلعیده است. اصلاً این تعداد اعضا در شوراها چه تأثیری در ارتقای مدنیت داشته‌است؟ پرسشی که بعید است پاسخی قانع‌کننده برایش وجود داشته‌باشد.

شاید ساختاری که در حال حاضر برای انتخاب اعضای شوراها وجود دارد معیوب یا فسادزاست، این همان چیزی است که مسئولان امر باید نسبت به این موضوع حساسیت بیشتری به خرج دهند و ایرادات آن را هر چه سریع‌تر پیدا و رفع و رجوع کنند. بدون شک هزینه‌ای که کشور بابت برگزاری انتخابات شوراها می‌پردازد، گران است؛ «گران» نسبت به آن چیزی که عایدش می‌شود. پس باید نظارت روی انتخاب این افراد و نحوه فعالیتشان بیشتر و دقیق‌تر باشد، بلکه میزان تخلفات اعضای شوراها روز به روز کمتر شود.

گزارش ۲

زینب کوچه‌میر

گعده معتادان، اکوپارک عمومی می‌شود

دره فرحزاد دیگر فضای بی‌دفاع شهری نیست

محلی‌ها می‌گفتند سال‌های سال بود، احدی شب‌ها جرئت نزدیک شدن به این محدوده را نداشت. بین درختان بلند و سر به فلک کشیده ته دره گعده‌های معتادان در کنار هم برای مصرف مواد مخدر جمع می‌شدند. تنها چیزی که از دور به چشم می‌خورد بوی تلخ مصرف مواد و دودی است که از انتهای این دره مشاهده می‌شد. نیروی انتظامی هم بارها و بارها برای جمع کردن بساط آنها از این دره اقدام کرده‌بود؛ تا جایی که حدود دو سال پیش ۵هزار معتاد در این منطقه جمع می‌شدند و مشکلات بسیاری را برای اهالی این محدوده ایجاد کرده‌بودند.

فضای بی‌دفاع شهری معمولاً از آن مکان‌هایی است که محل تجمع معتادان و بی‌خانمان‌ها خواهد شد. خرابه‌ها، بافت‌های فرسوده و دره‌ها از جمله این فضاهایی هستند که مستعد تجمع معتادان است. مثل همین دره که نقل شد در منطقه ۲ شهرداری تهران، دره‌ای عمیق به نام دره فرحزاد حوالی محدوده پونک و سعادت‌آباد، که چند سالی است به محل تجمع معتادان معروف شده‌است، در حالی که این دره در طول سالیان سال، مسیر تردد زائران امامزاده داوود بوده و از نقاط گردشگری و تفریحی شمال تهران به شمار می‌رفت.

اما حالا اوضاع فرق کرده مدیریت شهری تصمیم گرفته دره فرحزاد را از کلونی معتادان و ساقی‌های موادمخدر به یک «اکوپارک» تبدیل کند. برای تهیه یک گزارش به این اکو پارک رفتم تا ببینم چطور یک فضای بی‌دفاع شهری را می‌توان با صدای پرندگان و خنده کودکانه پر کرد.

سنگفرشی که میراث گذشتگان بود

از بالای دره حفره‌ای عمیق و بزرگ در دل پایتخت دیده می‌شد که دور تا دورش را درختان سر به فلک کشیده با شاخه‌های خشک و درهم تنیده پر کرده‌اند. برگ‌های نارنجی‌رنگ انتهای این دره و صدای رودخانه باریک که از وسط آن عبور کرده حس و حال پاییز را تداعی می‌کند. برای رفتن به عمق این دره، پله‌های سنگی و بلندی که یادآور فضای کوهستانی است، فکر پایین آمدن از آنها هم نفس آدم را بند می‌آورد، اما کشف جذابیت‌های نحوه ساخت طبیعی این پارک، سختی طی کردن مسیر را می‌کاهد. برای رسیدن به رودخانه ته‌دره و قدم زدن در حاشیه آن شروع به پایین رفتن از پله‌ها می‌کنم.

در مسیر عده‌ای از کارگران مشغول سنگفرش کردن مسیر پیاده‌روی داخل پارکی هستند که در آینده‌ای نه‌چندان دور قرار است تبدیل به پیاده‌راهی برای شهروندان و گردشگرانی باشد که فرصت حضور در یک محیط نیمه طبیعی و شاید شانس دیدن حیات‌وحش را داشته‌باشند.

جالب اینجاست که ساخت مسیر پیاده‌راه بدون استفاده از بتن و طبق فرآیندی که معتقدند میراث گذشتگان بوده در حال انجام است، درست مثل آن زمان‌هایی که هنوز بشر اسیر تکنولوژی و مصالح مصنوعی نشده‌بود و از نوعی سنگ که خاصیت نفوذناپذیری در برابر برف و باران دارد، برای ساخت جاده، خیابان و تردد ارابه‌ها استفاده می‌کردند. در دره فرحزاد از همین سنگ‌ها برای ساخت مسیر پیاده‌روی در اکوپارک بهره می‌گیرند.

هیچ درختی قطع نخواهد شد!

کمی جلوتر، در مسیر موقتی که برای انجام عملیات عمرانی طراحی شده‌است، برخی از کارگران که سوار بر چهارپا در حال آوردن مصالح این دره هستند، توجهم را جلب می‌کنند، گویا اکوپارک تهران به دلیل سازگاری که با طبیعت دارد، قصد ندارد هیچ ماشینی را در خودش راه بدهد. برای جابه‌جایی لوازم و مصالح در مسیرهای این پارک از چهارپایان استفاده می‌شود. ظرفیت تردد خودرو در این محدوده وجود ندارد.

انبوه چوب‌های دسته شده که بار مال‌ها کرده‌اند تا برای ساخت و تکمیل حصارها از آنها استفاده کنند، نظرم را جلب می‌کند. از کارشناس همراه‌مان درباره منبع آن چوب‌ها می‌پرسم، چرا درختان را قطع می‌کنید؟ می‌گوید: هیچ درختی قطع نمی‌شود برای کشیدن حصار چوبی کنار مسیرهایی که در ارتفاع و شیب دره احداث شده‌اند از چوب‌های بلااستفاده و هرس شده درختان استفاده می‌کنیم.

به جای سوزاندن چوب‌های هرس شده از درختان، برای حصارکشی از آنها بهره می‌برند چه ایده جالبی! هر چند سختی‌های خاص خودش را دارد و حمل آن در محل اکوپارک با سختی و زمان‌بر خواهد بود. به هر حال مجاب کردن پیمانکار برای عدم استفاده از تکنولوژی و استفاده از مصالح طبیعی آن هم با زحمت حمل‌بار توسط مال کار آسانی نیست.

اکوپارک میزبان حیات‌وحش دامنه البرز خواهد شد

در محل اکوپارک بناست که با ایجاد بستر مناسب زیستگاهی برای حیوانات ساکن در منطقه حفاظت‌شده البرز ایجاد شود. ماجرا از این قرار است یک برنامه زنجیره غذایی در این پارک برای حیوانات ایجاد شود، فضا برای حضور شهروندان محدود به ساعات خاص شده و با ایجاد طرح آرام‌سازی در این منطقه مکان امنی برای حیات‌وحش موجود در دامنه کوه البرز فراهم شود. پایش این محدوده نیز توسط اکولوژیست‌ها و تحت برنامه‌ریزی‌های خاص انجام خواهد شد تا هم انسان‌ها و هم حیوانات در معرض آسیب قرار نگیرند.

یکی از برنامه‌ها و اقدامات صورت گرفته برای حضور حیوانات در این محل، ساخت زنجیره غذایی و کوتاه ساختن دیواره باغ‌هاست. باغ‌هایی که بدون هیچ دیوار بتنی میزبان حیات وحش برای تأمین مواد غذایی آنها خواهند بود. حتی برای مرمت این دیواره‌ها از همان روش قدیمی سنگ چینی بهره می‌گیرند تا علاوه بر حفظ زیبایی و اصالت این محدوده، تردد و دسترسی برای حیوانات را آسان کند.

به زودی در اکوپارک قدم خواهیم زد

هرچند که هنوز کمتر از ۱۰ ماه از آغاز احداث اکوپارک می‌گذرد و در حال حاضر ۴۴ درصد پیشرفت فیزیکی دارد، اما در همین مدت هم زباله‌هایی که در بستر رودخانه فرحزاد رها شده‌بود، از سوی کارگران جمع‌آوری می‌شدند که این کار زیبایی این رودخانه را دوچندان کرده‌است.

براساس برنامه‌ریزی‌ها برای ایجاد فضای امن برای حیات‌وحش، بازیابی گونه‌های جانوری و قنات‌های موجود نیز انجام شده‌است.

با سختی از پله‌های بلند و سنگی بالا می‌آیم و نفس‌زنان به پشت سرم نگاه می‌کنم. منظره زیبای رودخانه در کنار طیف رنگ‌های نارنجی تا زرد برگ‌های ریخته‌شده روی زمین را که می‌بینم به نیمه اسفند فکر می‌کنم. فاز اول این پارک در نیمه اسفند افتتاح می‌شود؛ پارکی که با استفاده از تمام المان‌های طبیعی در حال راه‌اندازی است تا علاوه بر افزایش سرانه فضای سبز در تهران از ایجاد محلی برای تجمعات مخاطره‌آمیز معتادان و بی‌خانمان‌ها جلوگیری شود. چقدر زیبا خواهد شد که به جای مصرف موادمخدر در یک دره مخوف و تاریک که توسط انبوه درختان پوشیده شده، درخت و گل کاشته شود و محلی برای حفظ آرامش و زیستگاه حیوانات و گونه‌های مختلف گیاهان فراهم شود.

گزیده

رهبر انقلاب در پیامی به اجلاس نماز:

ترویج نماز در میان نسل جوان کلید گسترش این نعمت الهی است

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به سی‌امین اجلاس سراسر نماز، این فریضه بزرگ را نیازی فراتر از نیازهای جاری فرد و جامعه مسلمان و همچون روح و هوا برای انسان دانستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به سی‌امین اجلاس سراسر نماز، این فریضه بزرگ را نیازی فراتر از نیازهای جاری فرد و جامعه مسلمان و همچون روح و هوا برای انسان دانستند و تأکید کردند: متصدیان کارهای مرتبط با جوانان و نوجوانان باید راه‌های آموختن و گزاردن نماز و کیفیت بخشیدن به آن را برای نسل نو هموار کنند.

متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح ذیل است:

خدای متعال را بر ادامه سنت مبارک و نیکوی بزرگداشت نماز سپاس می‌گویم و از جناب حجت‌الاسلام قرائتی عالم مجاهد و روشن‌بین که پایه‌گذار این حرکت پربرکتند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

نماز را نمی‌توان در شمار نیازهای جاری فرد و جامعه مسلمان دانست. این فریضه بزرگ بسی فراتر از این نیازها نقش می‌آفرینند. آن را باید، همچون روح برای اندام‌های بدن انسان یا همچون هوا در مقایسه با دیگر نیازهای مادی انسان دانست. اینکه قبول همه عبادت‌ها و خدمت‌های خدایی به قبول نماز وابسته‌شده و اینکه امر به نماز و ایستادگی بر آن از پیامبر مطالبه شده و اینکه نماز نخستین الزام در حاکمیت صالحان دانسته شده و اینکه اقامه آن و تأکید بر آن بیش از هر واجب دیگر در قرآن تکرار شده، همه دلیل بر جایگاه بی مثال این فریضه الهی است.

ترویج نماز در میان نسل جوان و نوجوان، کلید گسترش این نعمت الهی و جایگزین شدن آن در جایگاه شایسته آن است. متصدیان کارهای مرتبط با جوانان و نوجوانان، از خانواده، تا مدرسه، و تا دانشگاه، و تا محیط‌های ورزشی و تا عالمان دینی در مدارس و دانشگاه‌ها و تا مجموعه‌های بسیجی در مساجد، و تا همه واحدهای بسیج و تا مجموعه‌های جهاد سازندگی و گروه‌های جهادی و نظایر اینها، باید خود را مخاطب: اقیموا الصلاه بدانند، راه‌های آموختن و گزاردن نماز و کیفیت بخشیدن به آن را برای نسل نو هموار کنند. به نماز، به مسجد، به حضور قلب، به توجه به معانی نماز، به دانستن احکام نماز، جاذبه ببخشند، و به معنای واقعی، نماز را اقامه کنند.

سلامت

۸۰ درصد ایرانیان از طب ایرانی استفاده می‌کنند

بیش از ۸۰ درصد مردم جامعه از طب ایرانی استفاده می‌کنند.

نفیسه حسینی یکتا، مدیر کل دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت با بیان اینکه طبق تحقیقات بیش از ۸۰ درصد مردم جامعه از طب ایرانی استفاده می‌کنند، گفت: طب ایرانی ریشه در فرهنگ، آداب و رسوم ایرانیان دارد و از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده و هیچ‌وقت از بین نرفته‌است؛ آنچه در حال حاضر رقم خورده دانشگاهی کردن این طب است.

وی افزود: از سال ۱۳۸۶ که بستر این طب در کشور فراهم شده بالغ بر ۵۰۰ فارغ‌التحصیل در این حوزه داریم و مقالات پژوهشی متعددی به چاپ رسیده‌است و این تلاش‌ها باعث شد تا کشورمان به رتبه چهارم در تولید علم در طب‌های سنتی و جایگزین در دنیا بعد از چین، هند و امریکا ارتقا پیدا کند.

حسینی یکتا با اشاره به مخالفت برخی افراد با طب سنتی ایرانی تصریح کرد: افرادی بدون علم به ظرفیت این حوزه و بدون تلاش برای اطلاع و آگاهی از این حوزه به مخالفت می‌پردازند. از طرفی در سطح جامعه با افرادی روبه‌رو هستیم که از علاقه‌مندی مردم سوءاستفاده می‌کنند و بدون علم و دانش کافی خدمات و مداخلاتی را به نام طب سنتی انجام می‌دهند که سبب آسیب‌هایی به سلامت مردم می‌شود.

مدیر کل دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت افزود: برخی از پزشکانی که با طب ایرانی مخالفت می‌کنند، عزمی برای دریافت اطلاعات درست و دقیق یا گوش شنوایی برای این موضوع ندارند یا ظرفیت‌های طب ایرانی را می‌شناسند، اما به جهت اطلاع از ظرفیت این حوزه با آن مخالفت می‌کنند.

حسینی یکتا با اشاره به اینکه طب ایرانی و طب رایج مکمل یکدیگر هستند، گفت: هر کدام از این طب‌ها قابلیت‌هایی دارند و در کنار هم می‌توانند مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرند. این بهره‌برداری به موقع فقط توسط کسی می‌تواند انجام گیرد که به هر دو این حوزه اشراف کامل داشته‌باشد.

خبر کوتاه

- شهردار تهران از بهره‌برداری کارخانه بازیافت پسماندهای عمرانی و ساختمانی در تهران و افزایش ظرفیت این کارخانه تا ۸هزار تن در روز خبر داد.
- رئیس مرکز امور حقوقی و بین‌المللی نهاد ریاست جمهوری با اشاره به پیگیری‌های حقوقی و قضایی پرونده ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی گفت: دادخواست این پرونده برای ارائه به دیوان بین‌المللی دادگستری در حال تدوین است.
- رئیس دیوان عالی کشور گفت: متأسفانه عده‌ای از روی غفلت و برخی از معاندان در فضای مجازی اقدام به هتک حرمت شهیدان و به‌ویژه حاج قاسم سلیمانی کرده‌اند که باید این افراد مورد تعقیب قرار گیرند و برخورد جدی و قاطع در این زمینه صورت گیرد.
- رئیس سازمان فضایی ایران از پرتاب چند ماهواره جدید به فضا تا پایان امسال خبر داد.
- معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران به بدهی ۷۰ هزار میلیارد تومانی شهرداری به بانک‌ها اشاره کرد و گفت: بر اساس لایحه بودجه شهرداری تهران باید عملکرد غیرنقد تا پایان سال به ۱۵ هزار میلیارد تومان برسد.
- عضو تیم تخصصی کلینیک اندومتریوز مرکز درمان ناباروری ابن‌سینا، اندومتریوز را از جمله بیماری‌های شایع در زنان با شیوعی حدود ۱۰ درصد معرفی کرد و گفت: این بیماری وقتی رخ می‌دهد که بافت پوشاننده جدار داخلی رحم، در دیگر نقاط لگن لانه‌گزینی و رشد کند. تخمدان‌ها، لوله‌های رحمی، رحم، روده، مثانه، کلیه، حالب و دیگر نقاط لگن، مانند روده باریک، آپاندیس و دیواره لگن شایع‌ترین نقاطی هستند که می‌توانند محل رشد اندومتریوز باشند.